یادداشت

حسن فرامرزی

آسفالت رونالدو!

تصور کنید اعضای خانواده‌ای فقط وقتی قانع می‌شوند که ریخت‌وپاش‌های خانه را جمع‌وجور کنند ـ آن هم نه جمع‌وجور کردن به مفهوم واقعی آن، بلکه بیشتر از جنس پنهان کردن آشفتگی‌ها، آبروداری ظاهری و در نهایت نوعی جارو کردن آشغال‌ها زیر فرش ـ که خبر برسد مهمانی مهم در راه خانه است.

ما چه چیزی را مهم می‌دانیم؟ این به نظرم گره داستان ماست. ای کاش ما خودمان را مهم و عزیز می‌دانستیم. آیا وقتی من فقط در یک شرایط خاص و زیر فشار بیرونی حاضر می‌شوم تکانی به خودم بدهم ـ آن هم یک تکان نادرست و شتابزده ـ می‌توانم منشأ تحول فردی، خانوادگی و اجتماعی باشم؟

وقتی با خبر آمدن مهمان، آشغال‌ها را زیر فرش جارو می‌کنم، این نوع منش بیشتر از آنکه نشانه مهمان‌نوازی باشد نوعی توهین به خود و بی‌ارزش و کم‌ارزش قلمداد کردن اعضای خانه است. من آنقدر برای خود و اعضای خانواده ارزش قائل نیستم که آشفتگی‌ها و نقصان‌های خانه را جمع کنم، بنابراین منتظر رویدادی در بیرون می‌مانم که آن رویداد مرا مجاب به جمع کردن آشفتگی کند.

اگر ضرورت آسفالت خیابانی احساس می‌شود و بودجه و اعتبار آن هم در سازمان مربوطه وجود دارد، آیا آن سازمان باید به این نگاه کند که قرار است کدام شخصیت از روی آن خیابان رد شود تا قانع شود آن طرح یا پروژه را به سرانجام برساند یا نه؟

وقتی آن مهمان یا شخصیت رفت دوباره ما خواهیم ماند و آن حس بدی که به خودمان داریم. از این زاویه، نشانه بلوغ فکری آنجاست که محرک من در رفتارهایم، درونی باشد نه آمد و شد آدم‌ها و موقعیت‌ها. به عبارت دیگر مرا با تبلیغات، تطمیع و تحریک به سمت کاری هل ندهند، در غیر این صورت مثل پر کاهی در دست باد خواهم بود.

امروز بسیار در رسانه‌ها می‌شنویم که پول‌های زیادی در ورزش کشور رد و بدل می‌شود، اما این پول‌ها به خاطر فساد و رانت حاکم در ورزش کشور بیشتر از آنکه به توسعه زیرساخت‌ها منجر شود ـ دست‌کم در این حد که نگران کیفیت چمن ورزشگاه آزادی نباشیم ـ به فربه شدن حاشیه‌ها و هیاهوها و ناکارآمدی‌ها کمک کرده‌است.

به نظرم این اتفاق از یک منظر طبیعی است. شما به عنوان یک سرمایه‌گذار روی چه چیزی سرمایه‌گذاری می‌کنید؟ طبیعی است که روی اسب بازنده سرمایه‌گذاری نمی‌کنید، بلکه روی کالا، جنس، فرصت و سهمی دست می‌گذارید که واجد ارزش باشد و علت اینکه امروز ما در تأمین زیرساخت‌هایمان به چنین فقر گسترده‌ای رسیده‌ایم، این است که حس خوبی نسبت به خود در سطوح فردی و ملی نداریم و خود فردی و ملی را واجد ارزش نمی‌دانیم.

اگر نظام آموزشی، خانواده، مدیریت جامعه و رسانه، طعم عزیز، گرامی و مهم بودن ـ و نه خودشیفته، متکبر و از خودراضی بودن ـ را به ما می‌چشاند، ما امروز در نقطه دیگری ایستاده‌بودیم و فوران عقده‌های خودکم‌بینی را به این شکل وسیع در رفتارهای فردی و سازمانی خود شاهد نبودیم.

انتظار زیادی نیست که سازمان شهرداری یا وزارتخانه ورزش به چنان بلوغ مدیریتی رسیده‌باشد که مصالح و برنامه‌های خود را به ورود یک ستاره ورزشی گره نزند، اما وقتی تصاویر رسانه‌ها نشان می‌دهد که این اتفاق افتاده و خیابان‌های اطراف ورزشگاه آزادی آسفالت‌شده، آن هم آنقدر عجله‌ای و دیرهنگام که حرکت خودروهای سرمربی و کادر تیم النصر که برای نشست خبری به ورزشگاه رفتند، آسفالت را خراب کرده‌است، بیانگر نوعی روزمرگی، هیجان‌زدگی و بی‌برنامگی در اداره سازمان‌های ماست.

مدرسه

اهدای ۳۰۰ هزار بسته نوشت‌افزار به دانش‌آموزان مناطق محروم کشور

به همت بنیاد احسان ستاد اجرایی فرمان امام، پویش ملی «مشق احسان» در سراسر کشور آغاز به کار کرد.

در مراسمی با حضور معاون اجتماعی ستاد اجرایی فرمان امام، مدیر عامل بنیاد احسان و جمعی از مدیران ارشد ستاد اجرایی ششمین مرحله پویش مشق احسان با هدف توزیع لوازم تحریر و نوشت‌افزار در مناطق کم‌برخوردار در کشور اجرایی شد.

علی عسگری، معاون اجتماعی ستاد اجرایی فرمان امام در حاشیه این مراسم اظهار کرد: عدالت آموزشی و بهره‌مندی تمام دانش‌آموزان از سهم مناسب برای تحصیل در همه نقاط کشور بسیار مورد توجه مجموعه ستاد اجرایی است.

علی عسگری افزود: امسال در پویش ملی مشق احسان تعداد ۳۰۰ هزار بسته لوازم تحریر با مشارکت بیش از ۳هزار گروه مردمی و جهادی، مساجد و با همکاری وزارت آموزش‌وپرورش بین دانش‌آموزان در مناطق کم‌برخوردار کشور توزیع می‌شود.

وی با بیان اینکه این بسته‌ها شامل کیف، دفتر، مداد، خودکار، پاک کن، تراش، مداد رنگی، جامدادی و خط کش به ارزش ریالی هر بسته حدود ۴۰۰ هزار تومان است، افزود: تمام اقلام اهدا شده از تولیدکنندگان ایرانی خریداری شده‌است و زنان سرپرست خانوار مناطق محروم نیز در تولید این اقلام سهم عمده‌ای دارند.

عسگری ادامه داد: در مجموع ۱۲۰ میلیارد تومان برای اجرای این مرحله از پویش مشق احسان هزینه شده‌است.

معاون اجتماعی ستاد اجرایی فرمان امام تصریح کرد: بنیاد احسان ستاد اجرایی فرمان امام تاکنون یک میلیون و ۸۰۰ هزار بسته لوازم‌تحریر در سراسر کشور توزیع کرده‌است.

گزیده

۱۷۰ مددجوی کمیته رتبه زیر ۱۰۰۰ کنکور شدند

در کنکور امسال دو نفر از مددجویان تحت پوشش رتبه تک‌رقمی، ۲۱ نفر رتبه دو رقمی و ۱۷۰ نفر رتبه زیر هزار کسب کرده‌اند.

حجت‌الاسلام علی جعفری، معاون امور فرهنگی کمیته امداد درباره سهم دانش‌آموزان کمیته امداد از رتبه‌های برتر کنکور اظهار داشت: کمیته امداد برای دانش‌آموزان تحت پوشش، کلاس‌های درسی و تقویتی و کلاس نکته و تست سالانه برگزار می‌کند و پشتیبانی تحصیلی از این افراد همراه با ارائه مشاوره و برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد.

وی با بیان اینکه همچنین کمیته امداد در موضوع انتخاب رشته و ارائه جزوات و درسنامه برنامه‌های خوبی برای دانش‌آموزان تحت پوشش دارد، افزود: در سال جاری ۳۳ هزار و ۶۵۱ دانش‌آموز در کنکور شرکت کردند که از این تعداد ۳۱ هزار و ۷۰۲ دانش‌آموز حائز رتبه مجاز جهت انتخاب رشته بوده‌اند.

حجت‌الاسلام جعفری خاطر نشان کرد: ۲۱ هزار و ۲۱۳ نفر از افراد تحت پوشش کمیته امداد که امسال موفق به شرکت در کنکور سراسری شده‌اند در شاخه انسانی، ۹هزارو۹۵۴ نفر در رشته تجربی، هزارو۷۲۸ نفر در رشته ریاضی، هزارو ۴۹۰ نفر در رشته زبان و ۹۷۶ نفر در رشته هنر مجاز به انتخاب رشته‌بودند.

معاون امور فرهنگی کمیته امداد در مورد رتبه‌های برتر کنکور از میان دانش‌آموزان تحت پوشش بیان کرد: به طور کلی دو نفر رتبه تک‌رقمی، ۲۱ نفر رتبه دو رقمی، ۱۷۰ نفر رتبه زیر هزار نفر و ۲هزارو۲۶۷ نفر رتبه زیر ۱۰ هزار نفر کسب کرده‌اند.

گفت‌وگو

سجاد آذری

محمدرضا بلندی | ایسنا

تحلیل جامعه‌شناسانه استقبال از تیم النصر در گفت‌وگوی «جوان» با عضو پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی

رشته اپوزیسیون با کنش‌های ورزشی و اجتماعی پنبه شد

وسط اغتشاشات سال گذشته بخش زیادی از جریان رسانه‌ای معاند در تلاش بود تا هر طور شده با ایجاد حاشیه برای تیم‌های ملی حمایت مردمی از آنها برداشته شود که در نتیجه آن مخصوصاً تیم فوتبال ایران در جام‌جهانی توسط عده‌ای مورد بی‌مهری قرار گرفت، ولی امروز با وجود تبلیغات فراوان در مورد سالگرد آن اتفاقات مردم هم پیگیر مسابقات کشتی هستند هم از رونالدو استقبال گسترده اتفاق می‌افتد. علیرضا بلیغ، جامعه‌شناس و پژوهشگر حوزه دین و فرهنگ است، در گفت‌وگوی «جوان» با این عضو پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی این تغییرات اجتماعی را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

از نظر جامعه‌شناسی چه اتفاقی افتاده که سال پیش برخی به دعوت براندازان ورزشکاران را تحریم می‌کردند، ولی الان در سالگرد آن اتفاقات نه تنها حرفی از تحریم نیست از ورزشکاران حمایت هم می‌شود؟

از نظر جامعه‌شناسی دلیل اصلی آن خیلی به خود حوزه ورزش باز نمی‌گردد، بلکه به‌دلیل ماهیت وقایعی است که پارسال اتفاق افتاد و به واسطه حمایت‌های بیرونی، فضای تبلیغاتی و رسانه‌ای و فشاری که از طریق رسانه‌ها وارد می‌شد، این اتفاق تقویت شده‌بود. پیش از بررسی این مسئله باید پذیرفت که به هرحال نارضایتی‌هایی در سطح اجتماع وجود دارد، ولی مسئله این است که چقدر این نارضایتی‌ها منجر به چیزی می‌شود که آنها اسم آن را انقلاب یا حتی یک مرحله پایین‌تر «جنبش» می‌گذارند. به لحاظ تعاریف کلاسیک از انقلاب یا جنبش در فضای اجتماعی این حرکت بر هیچ‌کدام صدق نمی‌کند شاید مثلاً یک شکلی از شورشی باشد که مقداری از لایحه‌های اعتراضی جامعه را که سال‌ها انباشته و توسط رسانه تحریک و تقویت شده نشان می‌دهد.

واقعیتی که در مورد رسانه وجود دارد، این است که از هیچ‌چیز نمی‌تواند چیزی را بسازد، ولی مسئله این است آن چیزی را که می‌تواند از یک زمینه‌ای که وجود دارد، بسازد نمی‌تواند از ماهیت واقعی خود آن چیز خیلی بزرگ‌تر شود و اگر بزرگ‌تر شود، امکان دوام ندارد. کما اینکه ما امروز می‌بینیم که به سالگرد اتفاقات پارسال رسیدیم، ولی کنشی که پارسال بود، وجود ندارد، مثلاً به ورزشکاران فشار بیاورند که سرود ملی نخوانند. غیر از اینکه این فشارها وجود ندارد، از اول هم در آن تناقضاتی وجود داشت، مثلاً چند دوره قبل جام‌جهانی، ما با گل دقیقه آخری به آرژانتین باخته‌بودیم، عده‌ای خوشحال بودند که با یک گل باختیم و در جام‌جهانی دوره قبل هم عده‌ای خوشحال بودند که تیم ملی ایران باخته می‌گفتند شما خائن هستید و رفتید مسابقه دادید، حالا همین افراد هم عزادار هستند که چرا در مسابقات تیم کشتی مثلاً حسن یزدانی نتوانست طلا بگیرد. یعنی کلاً مسئله اصلی این است که شما نحوی از مخالفت با سیستم را سامان بدهید اینکه مبانی آن یکی باشد یا نه موضوعیت ندارد.

این مخالفت‌ها زمانی می‌تواند تبدیل به یک نیروی منسجم برای یک حرکت تغییردهنده شود که انسجام داشته‌باشد، دلیل اینکه عرض می‌کنم این حرکت با جنبش و انقلاب همخوانی ندارد، این است که در هر دو آنها ویژگی رهبری و جهت‌گیری ایدئولوژیک مشخص مهم است. شما باید حداقل اجمالاً بگویید مانیفست این حرکت چیست، ولی وقتی شما تمام مخالفان جمهوری اسلامی را به شکل کولاژوار دور هم جمع می‌کنی، مشخص است بلافاصله بعد از اینکه فشاری که انتظار داری در نقطه‌ای وارد شود و سیستم را از هم بپاشاند، موفق نمی‌شود از همان نقطه واگرایی شروع می‌شود. مثلاً سلطنت‌طلب‌ها سر جمهوری‌خواهان می‌ریزند یا همجنس‌گرایان با گروه‌های دیگر به مشکل می‌خورند.

دلیل اینکه نمی‌توانند کنار یکدیگر بمانند، چیست؟

چون انسجام درونی ندارند و شما با نیروی رسانه اینها را کنار یکدیگر نگه داشته‌اید. یک چیزی را به عنوان نقطه مخالفت با جمهوری اسلامی شناسایی کرده‌اید، ولی این را متوجه نشده‌اید که صرف مخالف داشتن اگر از زوایای مختلف و پراکنده باشد، به واسطه قالب رسانه قابل جمع شدن با یکدیگر نیست. انسجام باید درونی باشد، مثلاً فرض کنید در انقلاب خود ما لزوماً چپ‌ها با اینکه خودشان هم مخالف رژیم شاه بودند، از اول همراهی نداشتند، ولی وقتی اتفاقاتی از درون جنبش نیروهای مسلمان افتاد، فهمیدند هر چند قابلیت رهبری این جریان را ندارند، ولی می‌توانند به رهبری امام یا روحانیت تکیه کنند. حالا برخی از آنها بعداً به انقلاب نزدیک شدند و بعضی هم که تفاوت نگاه‌ها را دیدند، فاصله گرفتند ولی این حرکت از درون آغاز شده بود. یک جریان قوی از مردم و بطن اجتماع بیرون آمده بود که توانست این کار را انجام دهد و یک سابقه طولانی مبارزه هم داشت. تصور کنید از زمان نهضت تنباکو یا حتی از زمان جنگ‌های ایران و روس که علما فتوای جهاد دادند روحانیت، مردم و بخشی از بازار همراه این نیروی اجتماعی به مبارزه می‌پرداختند و پیروزی‌ها و شکست‌هایی هم تجربه کرده‌بودند تا به نقطه انقلاب رسیدند و بیش از ۱۵۰ سال مسیر طی شده‌بود.

وقتی ورزشکاران را تحت فشار قرار می‌دهند که حتی سرود ملی را هم حق نداری بخوانی، ولی بعد کاری با او ندارند، آیا اگر دوباره بخواهند همان فشار را روی ورزشکار و مردم بیاورند پاسخ قبلی را می‌گیرند؟

به هر حال در یک سطحی اتفاق می‌افتد، بالاخره شما اگر بروید نظرات را بخوانید یک عده‌ای در مورد حسن یزدانی هم می‌گویند تو آن موقع با مردم نبودی، پس الان هم حقت است که باختی ولی اینکه تبدیل به یک فشار گسترده مانند دفعه قبل شود، نیاز به همان میزان سازماندهی و هزینه از طرف رسانه‌های خارجی است و فکر نمی‌کنم در یک‌بازه کوتاهی امکان چنین بازسازی وجود داشته‌باشد.

آیا این مسئله که می‌فرمایید مرجعیت علما از نهضت تنباکو و قبل‌تر از آن شروع شد تا به انقلاب اسلامی رسید با اقداماتی ضدانقلاب مثل اینکه چند روز به ورزشکاران فشار می‌آورند تا روند شود، قابل‌مقایسه است؟

همانطور که نیروهای ما در طول انقلاب با تجربه این پیروزی‌ها و شکست‌ها به یک سامانی رسیدند و توانستند به یک نقطه‌ای برسند که حکومتی را تأسیس کنند، آن نیروهای تجددخواه نیز به هر حال در یک فرآیند مبارزه‌ای بوده و اینگونه نیست که بی‌رگ و پی باشند، ولی مسئله این است که انقلاب و جنگ را طی کرده‌ایم و به لحاظ فرهنگی یک دگرگونی‌های گسترده‌ای پیش آمده‌است که طبعاً این نیروها را تضعیف می‌کند.

از سوی دیگر باید توجه کرد که در کل جمهوری اسلامی خودش یک نوعی اپوزیسیون نظام جهانی محسوب می‌شود و از این جهت نیروهایی که مخالف جمهوری اسلامی باشند حمایت بیرونی را با خود خواهند داشت ولی یک بدنه اجتماعی فعال ندارد؛ یعنی آن تصویری که ارائه می‌شود جمعیت کثیری از مردم ایران با این جنبش همراهی دارند، واقعی نیست. واقعیت این است که جمهوری اسلامی هرگز به لحاظ ابزار حکمرانی توان حکومتی مانند امریکا یا چین ندارند که دولت‌های بزرگ و قدرتمند هستند، بنابراین اگر نیروی اجتماعی مردم در تعارض با جمهوری اسلامی به شکل جدی قرار می‌گرفت، خیلی بعید بود که حکومت بتواند خودش را نگه دارد و وقتی که این اتفاق نمی‌افتد، نشان‌دهنده این است که بدنه اجتماعی لزوماً با کنار رفتن جمهوری اسلامی موافق نیست، ولو اینکه اعتراضاتی هم به مسائل اقتصادی یا به بعضی از مسائل حوزه سیاسی اجتماعی داشته‌باشد، ولی اینکه به نقطه‌ای برسد که تبدیل به سرنگونی سیستم شود، انرژی بسیار متراکم‌تری به لحاظ اجتماعی می‌طلبد.

> فردی که صبح تا شب دارد روی یک آزمایش علمی کار می‌کند، جذابیت زیادی ندارد و از او یک چهره جذاب ساختن کار سخت‌تری است، حتی وقتی که در کشورهای دیگر نیز چنین چهره‌هایی را معرفی می‌کنند و می‌خواهند سلبریتی از فناورها بسازند، می‌آیند بیل گیتس یا ایلان ماسک را معرفی می‌کنند

شرایط الان را با اتفاقی که زمان شاه افتاد، مقایسه کنید. بالاخره توان فنی کار وزارت اطلاعات و سیستم‌های امنیتی ما در حد همان چیزی است که ساواک قدرت داشت، ولی چرا آنجا ساواک نمی‌توانست کنترل کند برای اینکه همراهی اجتماعی با او نبود، وقتی که حرکت تبدیل به یک خیزش عمومی می‌شود، نمی‌توان با کار امنیتی و گرفتن چهارتا آدم جلوی آن را گرفت و الان هم اگر این اتفاق نمی‌افتد، به دلیل این است که تبدیل به خیزش عمومی نشده‌است. این میزان از همراهی اجتماعی اصلاً با این قضیه وجود ندارد، ولو اینکه اعتراضاتی هم باشد، این اعتراضات در همه سیستم‌های دنیا وجود دارد.

وسط سالگرد اتفاقات سال گذشته یکدفعه شاهد هستیم که جو جامعه بحث‌های ورزشی است که رونالدو آمده یا کشتی‌گیرهای ما چه کرده‌اند، آیا این اتفاق نشان‌دهنده این است که مردم حداقل الان از این فضا خارج شده‌اند؟

وقتی که این انتظار در فضای رسانه‌ای وجود دارد که سالگرد اتفاقات پارسال است و بیایید بیرون و اعتراض کنید، ولی اتفاقی نمی‌افتد نشان‌دهنده این است که همراهی وجود ندارد، البته این ناهمراهی را می‌توان به وجوه مثبت و منفی هم تفسیر کرد. وجه مثبت آن این است که جامعه مایل به همراهی با ضدیت جمهوری اسلامی نیست و در نقطه مخالفت با جمهوری اسلامی نیست، وجه منفی استقبال از چنین موضوعاتی نیز همان کارکردی است که ممکن است ورزش در کل دنیا داشته‌باشد، آن هم این است که می‌تواند به ابزاری برای سیاست‌زدایی تبدیل شود.

وقتی که شما دامنه سرگرمی را گسترش می‌دهید، به معنی این است که من احتمالاً نمی‌خواهم مردم به یکسری از حوزه‌ها ورود پیدا کنند. این آسیب در خود جمهوری اسلامی هم هست و در شرایطی که شما می‌بینید وضعیت اقتصادی چگونه است میلیارد میلیارد قرارداد در فوتبال بسته می‌شود که معلوم است مورد پذیرش قرار گرفته‌است تا مردم به یکسری از چیزها کاری نداشته باشند و توجهشان به این چیزها باشد. این در حالی است که جامعه ما یک جامعه سیاسی است و کشوری که در آن انقلاب شده حداقل تا شش الی هفت دهه نیروی سیاسی کار می‌کند، حالا شما می‌توانید این نیروی سیاسی را در خودت جذب کنی، مثل کاری که در جنگ کردیم و الا نمی‌توانستیم در جنگ موفق شویم یا می‌توانید منحرفش کنید، تمرکزش را از بین ببرید. به یک معنای آن فرآیند سیاست‌زدایی را اینجا داری انجام می‌دهی.

اینکه ورزش در بخش اعظمی از دنیا جمعیت زیادی را جذب می‌کند و ورزشکاران سلبریتی مسئله اصلی خیلی از جوامع هستند با همین هدف انجام می‌شود یا خاصیت ورزش اینگونه است؟

بخشی از شکل‌گیری ورزش در دنیای مدرن زاییده پیدا شدن چیزی به اسم اوقات فراغت است یعنی آدم‌هایی که می‌توانند از کار اصلی خود فارغ باشند و به تفریحات بپردازند؛ مثلاً اگر بروید تاریخچه آن را مطالعه کنید بخشی از ورزش‌ها یا از دل تفریحات طبقه متمول درآمده یا اگر ورزش سنتی در کشوری بوده تبدیل شدن آن به ورزش حرفه‌ای که بخش زیادی از مردم را در نقاط مختلف دنیا سرگرم کند، حاصل سرمایه‌گذاری نظام سرمایه‌داری در کشورهای مختلف است مثلاً بروید تاریخچه فوتبال برزیل و امریکایی جنوبی را بخوانید و ببینید چطور این قضیه محملی برای منحرف کردن نیروهای سیاسی و سرگرم کردن جامعه به چیزی است که مسئله اصلی آن نیست. عملاً ورزش چنین کارکردی دارد و اگر مسئله ورزش سلامتی بود، طبعاً ورزش قهرمانی موضوعیتی نداشت، چون رابطه‌ای با سلامتی ندارد و برای سلامتی از جهاتی مضر هم است و شاید حکومت‌ها باید می‌آمدند روی ورزش همگانی سرمایه‌گذاری می‌کردند.

چرا این اتفاق نمی‌افتد؟

برای اینکه شما در آنجا می‌توانی شخصیت‌هایی را معرفی کنی که تحت کنترل و مدیریت خودت باشند، مثلاً در برخی از کشورهای اروپایی یا سلبریتی به آن معنایی که در امریکاست ندارند یا اگر دارند آنقدر چارچوب‌ها و قوانین جدی برای مشخص کردن حدود فعالیت‌های آنها در مورد کنش‌های سیاسی و اجتماعی وجود دارد که ترجیح می‌دهند بروند پولشان را دربیاورند تا اینکه بخواهند درگیر چنین فرآیندهایی شوند، ولی این اتفاق وقتی در ایران می‌افتد چون کل آن سازوکار وارد ایران نمی‌شود به آنها اجازه رشد می‌دهی ولی آنها را کنترل نمی‌کنی. به غیر از این شاید کار اشتباه میدان دادن به چهره‌های ورزشی یا هنری تا آنجایی باشد که مرجعیت اجتماعی پیدا کنند. مرجعیت اجتماعی برای کشوری که مسئله اصلی آن حفظ استقلال است و این استقلال را باید در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی تأمین کند باید به‌دست کسی ایجاد شود که نیروهای مؤثر حفظ این استقلال است نه نیروهایی که آن را تضعیف می‌کنند.

خب جذابیتی که این سلبریتی‌ها دارند، خودش عامل مرجع شدن این افراد است.

بله اگر جذابیت نداشتند که نمی‌توانستی از آنها مرجع بسازی. طبیعی است فردی که صبح تا شب دارد روی یک آزمایش علمی کار می‌کند، جذابیت زیادی ندارد و از او یک چهره جذاب ساختن کار سخت‌تری است، حتی وقتی که در کشورهای دیگر نیز چنین چهره‌هایی را معرفی می‌کنند و می‌خواهند سلبریتی از فناورها بسازند، می‌آیند بیل گیتس یا ایلان ماسک را معرفی می‌کنند. اینها هم در نقاطی معرفی می‌شوند که کار مقداری فان‌تر و مخاطب‌پسندتر است و البته اینها همگی کار شده‌است؛ یعنی چیزی است که دارند به خورد ما می‌دهند، در حالی که اگر ته و توی کار ایلان ماسک، استیو جابز و بیل گیتس را در بیاورید، می‌بینید که اگر حمایت دولتی پشت اینها نبود نمی‌توانستند تبدیل به این افراد شوند، ولی چیزی که تبلیغ می‌شود این است که چهره‌های کارآفرینی هستند که از زیرزمین خانه خود شروع کرده و به اینجاها رسیده‌اند. این در حالی است که عمده پروژه‌های بزرگ فناوری در امریکا یا زیرنظر پنتاگون است یا طرف دیگر «سلیکون ولی» است که یک نهاد فان برای معرفی کردن همین سلبریتی‌های حوزه علم و فناوری است.

می‌خواهم بگویم این برجسته شدن ورزش یا هنر و چیزهایی که جذابیت‌های ذاتی در آنها هست، برای عموم مردم دنیا کاملاً هدفمند و آگاهانه است. چرا هر چقدر که می‌گذرد، جایزه‌های هنری مانند اسکار و گرمی برجسته‌تر می‌شود، حالا دایره ورزش که خیلی از این هم گسترده‌تر است. شعارهایی که می‌دهند هم کاملاً تهی از مواضع سیاست است و اساساً می‌خواهند جهان را سیاست‌زدایی کنند. البته شعار صلح را روی المپیک می‌گذارند، ولی به راحتی روسیه را از المپیک بیرون می‌اندازند، به خاطر اینکه پشت همین کار هم ایدئولوژی است، هر چند می‌گویند من فارغ از ایدئولوژی هستم.

مسئولیت اجتماعی

حسین سروقامت

۹۴۹

«همه می‌توانند عصبانی شوند، این آسان است. ولی عصبانی شدن از دست آدم درست، به اندازه درست، در زمان درست، برای هدفی درست و به شیوه‌ای درست آسان نیست و در توان هر کسی هم نیست!»

عبارتی که در کتاب «هوش هیجانی» با بیش از ۵ میلیون تیراژ، به ارسطو نسبت داده شده‌است.

«دانیل گلمن» در کتاب خویش خصوصیات آدمی را واکاویده، یک «نیم رخ شایستگی» ارائه می‌دهد که در آن چهار محور رفتاری شامل خودآگاهی، آگاهی اجتماعی، خودمدیریتی و مدیریت روابط بررسی می‌شود.

گلمن هوش هیجانی را رژیمی برای خویشتنداری می‌داند که دربردارنده اقداماتی چون ارزیابی، بازخورد، مربیگری و مراقبه است!

بگذارید از این بحث بگذریم و ببینیم که آیا ما بر آن کار سخت، کنترل عصبانیت... قادریم؟

قدما گفته‌اند: اگر نتوانید چیزی را اندازه بگیرید، نمی‌توانید بهبودش بخشید.

پس خشم خود را اندازه بگیریم و بهبود بخشیم!

یادداشت میهمان

محدثه امامی‌نیا / پژوهشگر حوزه زنان

اقتصاد یا حجاب؟

دوقطبی‌سازی اقتصاد و حجاب، تلاش برای رشد تک بعدی و نادیده گرفتن ابعاد وجودی انسان است. اقتصاد موضوع مهمی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت و اخبار حاکی از آن است که دولت با تمام توان برای بهبود وضعیت اقتصادی مردم در تلاش است، اما نباید از وجوه دیگر زندگی غفلت کرد.

خوب است از خودمان سؤال کنیم که اگر تمام تمرکزمان را بر مسائل اقتصادی بگذاریم و به بهانه اقتصاد، مشکلات دیگر را نادیده بگیریم، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ برای مثال اگر والدین فقط توجهشان به آسایش جسمی فرزند باشد و از تحصیل و تربیت و سلامت روان کودکشان غفلت کنند، دستاوردشان چه خواهد بود؟

بر خلاف نسخه‌های غربی، اسلام برای تمام جنبه‌های زندگی انسان برنامه‌ای مشخص و کامل دارد. از سویی دیگر عدم‌توجه به مسئله مهم حجاب، سبب نابودی بنیان خانواده خواهد شد و می‌دانیم که اهمیت حضور خانواده در سلامت روان فرد و جامعه غیرقابل انکار است؛ در این صورت بهترین شرایط اقتصادی چه فایده ای خواهد داشت؟ رفاه مادی برای جامعه ای رو به فنا و نابودی چه سودی دارد؟ اگر از زاویه سنت ها و قوانین الهی به این موضوع نگاه کنیم با مسئله تأثیر گناه بر رزق و روزی روبه‌رو خواهیم شد. کم نیستند آیات و روایاتی که به این موضوع اشاره کرده‌اند.

در سوره مبارکه طلاق می‌خوانیم: «وَ مَنْ یَتَّقِ اللَّهَ یَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً * وَ یَرْزُقْهُ مِنْ حَیثُ لَا یحتَسِبُ؛ و هر کس تقوای الهی پیشه سازد، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند و او را از جایی که گمان ندارد، روزی می‌دهد.»

در حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌خوانیم: «از گناهان بپرهیزید، زیرا خیرات را از بین می‌برد. همانا بنده خدا در اثر گناه، دانشی را که فرا گرفته از یاد می‌برد یا از شب‌زنده‌داری محروم می‌شود. همانا بنده خدا در اثر گناه، از روزی آماده محروم می‌شود» در حدیث دیگری از امام باقر علیه‌السلام می‌خوانیم: همانا بنده مرتکب معصیتی می شود و روزی از او دفع می گردد.

با توجه به آیات و روایات، حتی می توان یک قدم جلوتر رفت و به این گزاره رسید که تلاش برای حل مسئله حجاب، می‌تواند در رشد اقتصادی تأثیرگذار باشد.

از طرفی نوع پوشش با مصرف‌گرایی و کاهش میزان کارآمدی نیروی کار رابطه ای مستقیم دارد و از این حیث هم می توان به این نتیجه رسید که بی‌حجابی بر اقتصاد تأثیر منفی خواهد گذاشت.

خبر کوتاه

- اعضای شورای اسلامی شهر تهران رایگان شدن مترو و اتوبوس را برای دانشجویان و دانش‌آموزان از ابتدای مهر تا ۱۵ مهر ماه به تصویب رساندند.
- رئیس انجمن جراحان پلاستیک و زیبایی نسبت به اقبال زیاد مردم به جراحی پلاستیک و زیبایی هشدار داد. قیافه اصیل ایرانی در حال فراموش شدن است. وزارت بهداشت حافظ سلامت مردم است و می‌تواند در این خصوص و نظارت بر فعالیت در حوزه زیبایی و جراحی پلاستیک ورود کند. اگر جلوی سونامی افسار گسیخته جراحی زیبایی را نگیریم به مراکز درمانی و نیروهای شاغل در حوزه درمان آسیب وارد می‌شود؛ در حالی که دنیا با این موضوع برخورد دیگری کرده است.
- وزیر آموزش و پرورش گفت: مجوز تدریس بازنشسته‌ها تا سقف ۲۴ ساعت در هفته اخذ شده‌است با این کار تا حدودی کمبود معلم در برخی از نقاط کشور برای سال تحصیلی جدید جبران می‌شود.
- رئیس سازمان غذا و دارو با اعلام پیش‌بینی‌های انجام‌شده در خصوص ایجاد ذخیره سه ماهه سرم تزریقی و آنتی‌بیوتیک در آستانه پاییز گفت: با توجه به تمهیدات اندیشیده‌شده نباید در زمینه تأمین این اقلام در فصل سرما با مشکلی مواجه شویم.
- مجری خط ۶ متروی تهران با اعلام موفقیت‌آمیز بودن تست گرم ۵/۵ کیلومتر از مسیر خط ۶ مترو گفت: در مهرماه این مسیر ۵/۵ کیلومتری را که شامل ایستگاه‌های شهرزیبا، شهران و کوهسار می‌شود، به بهره‌برداری می‌رسانیم.
- رئیس مرکز تحقیقات ام. اس دانشگاه علوم پزشکی تهران با بیان اینکه بیماران ام. اس بر اساس مصرف داروهای کاهش‌دهنده توان سیستم ایمنی بدن به دو دسته تقسیم می‌شود، گفت: توصیه می‌شود تمامی بیماران مبتلا به ام. اس، حتماً واکسن آنفلوآنزا تزریق کنند.
- رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک از حدنگاری و صدور سند بیش از ۹۹ درصد از عرصه‌های ملی خبر داد.
- هیئت عمومی دیوان عالی کشور با صدور رأی وحدت رویه، شهادت کذب در مرحله تحقیقات مقدماتی نزد دادسرا را منطبق با ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی جرم دانست.